

The Examination of Rahner's Perception of Revelation and its Effect on His View to Religious Pluralism

Atiye Keshtkaran^{1}, Reza Gandomi Nasrabadi²*

1. PhD Student, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran
2. Associate Professor, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran

(Received: April 24, 2022; accepted: October 25, 2022)

Abstract

There are three views to revelation in Christianity. According to propositional revelation, the salvation of humanity can be achieved only through the clear and enlightening words of the Bible. In the experimental revelation, the emphasis is on the divine unveiling and the personal relationship between God and human. The third approach introduces revelation as a historical incident. Christian thinkers have provided various opinions for or against these three approaches. One of these figures is Carl Rahner, a contemporary Christian theologian, who has offered concepts similar to these three approaches. In his conceptualization, he deems these three types of revelation as levels of salvations arranged vertically, moving from the experimental revelation/universal salvation of all humans through propositional revelation to the Christianity-specific salvation. From Rahner's viewpoint, the transcendent revelation is the precondition for understanding the universe, which is accessible due to the infusion of grace and metaphysical existence. The universal categorical revelation can be achieved through God's unveiling in history, while the specific categorical revelation can be attained through Jesus. All in all, from the viewpoint of Rahner, revelation entails all three experimental, historical, and propositional essences but at different levels. Rahner's perception of revelation and salvation is to some extent close to those of thinkers such as Hans Küng, John Hick, Karl Barth, and Friedrich Schleiermacher, with different levels of adherence to the church teachings as the differentiating factor. Deriving from his perception of revelation, Rahner's theory of "anonymous Christians" deems salvation possible for the non-Christians, and so allows for religious inclusivity. However, he believes that achieving absolute salvation is possible only through conscious adoption of Christianity.

Keywords: divine revelation, revelation, religious pluralism, inclusivity.

*Corresponding Author: Keshtkaran@ut.ac.ir

بررسی تلقی رانر از وحی و تأثیر آن بر دیدگاه وی در باب تکثر دینی

عطیه کشتکاران^{۱*}، رضا گندمی نصرآبادی^۲

۱. دانشجوی دکترا، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

۲. دانشیار، دانشکده الهیات، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۳)

چکیده

سه نوع تلقی یا برداشت از وحی در مسیحیت وجود دارد. بر اساس وحی گزاره‌ای نجات بشریت تنها از مسیر عبارات روشن و معرفت‌بخش کتاب مقدس به دست می‌آید، در وحی تجربی تأکید بر انکشاف الهی و ارتباط شخصی میان خدا و انسان است و رویکرد سوم، وحی را حادثه‌ای تاریخی عنوان می‌کند. اندیشمندان مسیحی له یا علیه هر کدام از رویکردهای ذکر شده نظراتی بیان کرده‌اند. در این میان کارل رانر، از متالهان معاصر مسیحی، با طرح مفاهیمی مشابه این سه رویکرد، آنها را مراتبی از رستگاری و در طول هم در نظر داشته که از وحی تجربی و نجات عام همه انسان‌ها تا وحی گزاره‌ای و رستگاری منحصر به مسیحیت را شامل می‌شود. در نگاه رانر وحی استعلایی شرط پیشین ادراک هستی است که در پرتو تجلی فیض و آگزیستانس فراطبیعی در دسترس است، وحی مقوله‌ای عام انکشاف خدا در تاریخ و وحی مقوله‌ای خاص در شخص مسیح میسر است. کوتاه سخن وحی از دیدگاه رانر هر سه ماهیت تجربی، تاریخی و گزاره‌ای را در مراتب مختلف دربردارد. تلقی رانر از وحی و رستگاری تاحدودی به اندیشمندانی همچون هانس کونگ، جان هیک، کارل بارت و شلایرماخ نزدیک است و تفاوت آنها در میزان پایبندی به آموزه‌های کلیسایی است. نظریه «مسیحیان گمنام» رانر با بهره از تلقی او درباره وحی رستگاری پیروان ادیان غیرمسیحی را ممکن دانسته و از این رو بایی به شمول‌گرایی دینی می‌گشاید، اما به باور او دست یازیدن به نجات تام تنها در پذیرش آگاهانه مسیحیت میسر است

واژگان کلیدی

رانر، انکشاف الهی، وحی، کثرت‌گرایی دینی، شمول‌گرایی

۱. مقدمه

پدیده وحی و تبیین آن یکی از مهم‌ترین موضوعات در حوزه ادیان الهی محسوب می‌شود. رویکرد هر دین یا متالهان آن دین درباره مسئله وحی و شیوه دستیابی به معرفت دینی، بنیان‌های فکری آن دین را مشخص می‌کند و بر سایر دیدگاه‌های فکری و موضع‌گیری‌های اجتماعی بسیار تاثیرگذار است.

در این مقاله پس از آشنایی اجمالی با رانر و اندیشه‌های وی در بخش اول، رویکردهای مختلف به وحی در مسیحیت و تلقی رانر از وحی را از نظر خواهیم گذراند و در بخش دوم ارتباط برداشت رانر از وحی با دیدگاه شمول‌گرایی وی در باب تکثر و تنوع دینی و دیگر دیدگاه‌ها در باب تکثر دینی را پی خواهیم گرفت.

۲. آشنایی با شخصیت و اندیشه‌های رانر

کارل رانر^۱ (۱۹۰۴-۱۹۸۴) یکی از متالهان برجسته الهیات معاصر کاتولیک، در فرایبورگ آلمان و در خانواده‌ای مسیحی به دنیا آمد. او پس از پیوستن به جامعه یسوعیان تحت تاثیر معنویت ایگناتوس لویولایی^۲، عارف اسپانیایی قرن شانزدهم، قرار گرفت و از سال ۱۹۲۴ به بعد مطالعاتش را بر فلسفه مدرسی کاتولیک و فیلسوفان آلمانی به‌ویژه کانت، متمرکز ساخت. رانر در ۲۸ سالگی به مقام کشیشی دست یافت و با ترغیب اساتید تحصیلاتش را در مقطع دکترای فلسفه در فرایبورگ آلمان آغاز کرد. آثار و سخنرانی‌های بی‌محابای او در موضوع مبانی ایمان، واکنش کلیسای کاتولیک را برانگیخت. او در کرسی مسیحیت و فلسفه دین دانشگاه مونیخ و کرسی الهیات جزمی در دانشکده الهیات کاتولیک دانشگاه مونستر به تدریس می‌پرداخت و تا پایان حیات خود به تالیف و سخنرانی و تدریس مشغول بود.

حیات فکری رانر را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد: دوره فلسفی و دوره الهیاتی. افکار

1. Karl Rahner

2. Iqnatius of Loyola

فلسفی رانر را بیشتر در کتاب روح در جهان^۱ (۱۹۳۹) و مستمعین کلام (۱۹۴۱) باید دنبال کرد. (Marmion and E. Hines, 2005, p. 29) کتاب مستمعین کلام^۲ به نوعی ضمیمه کتاب روح در جهان محسوب می‌شود. کتاب بنیان‌های ایمان مسیحی^۳ (۱۹۷۶) با موضوع الهیات نظام‌مند و مجموعه ۲۳ جلدی متشکل از سخنرانی‌ها و مقالات او با عنوان کنکاش‌های الهیاتی^۴ نیز از آثار قابل توجه رانر هستند. وی با طرح نظریاتی برآمده از مبانی فکری فیلسوفان برجسته‌ای مانند کانت و هایدگر و نیز فلسفه مدرسی، الهیات کاتولیک و سنت‌های عرفانی مسیحی، توانست سهم موثری در آشتی کلیسای کاتولیک با مسائل انسان امروز و دنیای مدرن ایفا کند.

رانر را الهی‌دان فیض^۵ و استعلا^۶ نیز نامیده‌اند. کارل رانر به مرور توانست در جامعه کاتولیک مقبولیت خاصی کسب کند و دیدگاه‌های الهیاتی‌اش بارها از سوی اندیشمندان بازگو شد. او گرچه پیرو سنت‌های مسیحی قدیم بود و تعهد بالایی به تاریخ ایمان و کلیسا داشت اما سنت را به صورت خلاقانه‌ای تایید و تصدیق می‌کرد و این وفاداری به سنت صرفاً تکرار یافته‌های تاریخی و بازگویی مجدد آنها نبود. (Rahner, 1994, p. 1&2)

۳. مفهوم وحی

مفهوم، تاریخچه و گونه‌شناسی وحی از جمله مباحثی است که در این مجال باید به آنها پرداخت. در ادیان الهی برقراری ارتباط میان خداوند و انسان عنصری بنیادین محسوب می‌شود که به شیوه‌های مختلف از جمله وحی انجام می‌گیرد. در دائره‌المعارف کاتولیک، وحی به معنای «انتقال برخی حقایق از سوی خدا به یک موجود عقلانی از طریق وسایلی که فراتر از جریان عادی طبیعت هستند.» آمده‌است؛ حقایقی که حتی در صورت آشکار

-
1. Spirit in the World
 2. Hearers of the Word
 3. Foundations of Christian Faith
 4. Theological Investigations
 5. Grace
 6. transcendence

شدن، به طور کامل برای ذهن انسان قابل ادراک نیستند. (Revelation (Stock, 1912, v13) از ریشه لاتین *revelare* و به معنای آشکارسازی یا افشای راز است. وقتی این کلمه به خدا نسبت داده می‌شود بدین معناست که خدا با آشکارکردن خواست و شخصیت الهی در قالب عبارات و اعمال پرده‌برداری می‌کند. (ویور، ۱۳۸۱، ص ۳۳)

۴. تاریخچه وحی در مسیحیت

با نگاهی به تاریخ تلقی از وحی در مسیحیت می‌توان دریافت که تا اوایل عصر روشنگری تقریباً دیدگاه مشترکی در باب ماهیت وحی در میان فرقه‌های مختلف مسیحی وجود داشت. این دیدگاه ترکیبی است از وحی به مثابه تجسد خداوند در مسیح و وحی به مثابه گزاره‌هایی که از جانب روح القدس القا می‌گردد. اما در دهه ۱۹۶۰ الهیات مسیحی دستخوش تغییرات گسترده‌ای قرار گرفت و برداشت سنتی مسیحی از مکاشفه به پرسش گرفته شد. همین تعابیر زمینه را برای گونه‌های مختلف وحی‌شناسی مسیحی در عصر جدید مهیا کرد و توجه به حضور و تجربه خدا و نگاه تاریخی به این مقوله نیز مورد بحث قرار گرفت. بر این اساس می‌توان تلقی امروزه از وحی مسیحی را در سه دسته کلی جای داد: ۱. وحی گزاره‌ای ۲. وحی تجربی ۳. وحی تاریخی. البته باید توجه داشت که این تعابیر غیرقابل جمع نیستند و به تعبیر دیگر تایید یکی به معنای نفی موارد دیگر نیست.

الف) وحی گزاره‌ای-آموزه‌ای

ریشه‌های این رویکرد به سده‌های نخست مسیحیت باز می‌گردد. وحی گزاره‌ای^۱ با تاکید بر عبارات روشن و معرفت‌بخش متن کتاب مقدس آن را حقیقتی ازلی و تنها راه نجات بشریت دانسته و در نگرشی آموزه‌ای نقش سنت به‌ویژه مقام تعلیمی کلیسا از اهمیتی اساسی برخوردار است. در نخستین حکم شورای ترنت آمده «این شورا بر این باور است که حقیقت انجیل و اصول آن در کتب مکتوب و نامکتوب وجود دارد. این سنن نامکتوب که رسولان آن را از دهان مسیح شنیده، آنها را مقرر داشته‌اند (تحت الهام روح القدس) و

حتی به ما نیز رسیده‌اند، به گونه‌ای دقیق و خطاناپذیر منتقل شده‌اند» (لین ۱۳۹۰، ص ۳۷۰ و ۳۷۱) در وحی گزاره‌ای حقایق لازم برای نجات، منحصر در ید قدرت کلیسا قرار دارد و سنت آن را آشکار می‌کند. این عقیده، باور مشترک کلیسای اولیه، از ایرنئوس تا شورای کالدون و پس از آن بود (حقانی فضل و مفتاح، ۱۳۹۶، ص ۲۹)

ترتولیان معتقد بود «مسیحیان قواعد فکری خاص خود را دارند که همان ایمان مسیحی موجود در متون مقدس است.» (ژیلسون، ۱۳۹۸، ص ۶۵) از دیدگاه آگوستین جهل یکی از نتایج گناه نخستین به شمار می‌رود که انسان را محتاج معرفتی فرابشری ساخته است. آگوستین عقیده داشت «ما به اشراق الهی نیاز داریم تا با آن بتوانیم آنچه را فراتر از اذهان ماست درک کنیم، زیرا هیچ مخلوقی، هر قدر عاقل باشد، نمی‌تواند به خود روشنایی ببخشد.» (کاپلستون، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۸۲) او اشراق الهی را تنها چاره پوشش نقصان‌های عقلانی می‌دانست و حتی آکوئیناس که به کاربرد روش‌های فلسفی در الهیات شهره است قائل به دو سطح معرفت بوده که ریشه در یک حقیقت دارند و سازوار هستند: فلسفه عقلا از «پایین» یعنی از خلقت و مخلوقات پیش می‌رود و الهیات از «بالا» یعنی از خدا آغاز می‌کند. (کونگ، ۱۳۹۰، ص ۱۳۸-۱۴۴)

امروزه این رویکرد مشخصه مکتب‌های انجیلی محافظه‌کار، نومدرسی کاتولیک و بعضی پروتستان‌های محافظه‌کار است. اصولاً در این دیدگاه مکاشفه را باید در شکل‌های گزاره‌ای تصور کرد. (مک گراث، ۱۳۸۴، ص ۳۹۱ و ۳۹۲) هراندازه که باور جزمی به وحی گزاره‌ای و پایبندی به این سنت در مسیحیان افزایش یابد، راه نجات و رستگاری نیز تنگ‌تر خواهد شد.

ب) وحی تجربی-حضور

عده‌ای در توضیح نگرش تجربی به مسئله وحی آن را به ابتدای تاریخ و سنت یهودی بازمی‌گردانند. از آنجا که سرآغاز یهود با این اعتقاد بوده که خدا واقعا به نحوی دیده شده یا صدای او شنیده شده، پس تجربه را کلید اولیه فهم وحی می‌دانستند. (ویور، ۱۳۸۱، ص ۳۴) در نتیجه مطالعات انتقادی کتاب مقدس در قرن نوزدهم و بیستم، تحول معنایی از

وحی گزاره‌ای به وحی شخصی و با هدف بازگرداندن اعتبار پدیده وحی رخ داد. پیروان این دیدگاه بر این باور بودند که وحی مجموعه‌ای از عبارات و گزاره‌ها نیست، بلکه انکشاف خود خداوند است تا دری از رابطه شخصی میان انسان و خدا بگشاید. (فخار نوغانی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۵ و ۱۱۶) این گونه از وحی همان تجارب درونی و الهاماتی است که در وجود مسیحیان و قدیسان رخ می‌دهد. در وحی تجربی^۱، جوشش درونی انسان همان قدر موثر است که پذیرش فیض الهی. برخلاف گونه نخست که گناه نخستین را مانعی بر سر راه ادراکات صحیح انسان می‌دانند.

در دوران مدرن افرادی مانند فردریک شلایرماخر^۲ و رودولف اتو^۳ تجربه را مبنای کار خویش قرار دادند و مدعی بودند همه انسان‌ها با هر فرهنگ و تمدنی تجربه‌ای از امر قدسی دارند و در نتیجه این رویکرد، وحی به مرور به عنوان نوعی تجربه دینی مشترک میان آدمیان نامیده شد. سه عامل بیشترین تاثیر را در چرخش از رویکرد گزاره‌ای وحی به رویکرد تجربی داشت: عقل‌گرایی سده هجدهم، ظهور مکتب رمانتیسم و تعارض عهدین با عقل و علم (ساجدی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۲) بایستی توجه داشت که این دو نگرش لزوماً در تعارض با یکدیگر نیستند. به این معنا که می‌توان در مراتب مختلفی هر دو گونه وحی را پذیرفت.

ج) وحی تاریخی

در رویکرد سوم وحی به عنوان امری تاریخی^۴ نگریسته می‌شود که در اساس حادثه‌ای عام، جهانی و تاریخی است و به مثابه عمل خدا شناخته و تفسیر می‌شود. کارل بارت^۵ نگرشی اعتراضی علیه مفهوم ایستا از خداوند در کتاب مقدس داشت. «از نظر او، کلام مکتوب، کتاب مقدس و کلام اعلام شده از سوی کلیسا به خودی خود مکاشفه نیستند، بلکه کلمات

-
1. Experimental
 2. Friedrich Schleiermacher
 3. Rudolf Otto
 4. Historical
 5. Karl Barth

انسانی خطاپذیری هستند که تنها به مکاشفه خدا اشاره دارند.» کتاب مقدس به این معنا کلام خداست که به مکاشفه خدا در گذشته گواهی و به مکاشفه خدا در آینده وعده می‌دهد. (لین، ۱۳۹۰، ۴۳۰ و ۴۳۱) ولفهارت پانن‌برگ^۱ نیز که متأثر از اندیشه‌های بارت، و گاه منتقد و تحت تعلیم او بود مفهوم نوینی از مکاشفه ارائه کرده که مکاشفه خدا را در رخدادهای تاریخی و شخصیت عیسی مسیح و در برترین شکل آن در رستاخیز وی از مردگان می‌داند. (لین، ۱۳۹۰، ص ۴۷۷-۴۷۹)

۵. وحی از دیدگاه کارل رانر

گرچه یکی از مهم‌ترین محورهای مباحث الهیاتی رانر ارتباط درونی انسان و پروردگار است و او بر این ارتباط بلاواسطه یا همان وحی تجربی تاکید ورزیده، اما هیچ‌گاه منکر وحی گزاره‌ای و آموزه‌ای نبود. هر کدام از سه رویکرد یاد شده به وحی در مسیحیت، در اندیشه رانر مراتبی از رستگاری را در بردارند. در فراگیرترین مرتبه وحی تجربی عطیه‌ای الهی است که هر انسانی، مومن یا کافر خواسته یا ناخواسته، آن را دریافت می‌کند. انسان به انضمام این جهان وحی تاریخی را به خود می‌بیند و اوج مراتب رستگاری اذعان به حقانیت دین مسیحیت و وحی آموزه‌ای در کتاب مقدس است. از این رو رویکردهای سه-گانه به وحی، در نظر کارل رانر نه در عرض هم که مراتبی در طول یکدیگر جهت نیل به رستگاری هستند و مفاهیم وحی استعلایی، وحی مقوله‌ای عام و وحی مقوله‌ای خاص با وحی تجربی، تاریخی و گزاره‌ای بسیار قرابت معنایی دارند.

بسته شدن مسیر وحی و مکاشفه با مرگ مسیح، مهم‌ترین مسئله‌ای بوده که ذهن رانر را به خود مشغول می‌داشته است. زیرا او از یک سو تعالیم کلیسای کاتولیک را در خصوص وحی تاریخی و مرگ عیسی مسیح در نظر داشت و از سوی دیگر انسان مدرن امروزی با افقی رو به آینده را می‌دید که نیازمند دریافت مدام الهامات معنوی از منبعی متعالی است. او نه می‌توانست

خواست انسان معاصر را نادیده انگارد و نه وحی تاریخی و فیض الوهی را از نظر مخفی نگاه دارد. از این رو در آثار و اندیشه رانر به مرور سطوح مختلف وحی نمودار شد. از وحی استعلایی که حیثیت شناختی و معرفتی دارد تا وحی تاریخی مسیحیت. سطوح وحی از منظر رانر در امتداد یکدیگر قرار دارند و بر آن هستند که میان آموزه‌های مسیحیت کاتولیک و جهان معاصر پیوندی برقرار سازند. و انواع وحی رانری را می‌توان در عناوین زیر برشمرد:

الف) وحی استعلایی

واژه استعلا در آثار رانر به دو معنا مورد توجه بوده که با توجه به سیاق متن متفاوت است. در برخی موارد حاکی از سنت‌های دینی و عرفانی استعلایی و تعالی و فراروی است و در بعضی آثار به معنای استعلای کانتی و شرایط پیشینی ادراک. واژه استعلا در وحی استعلایی ناظر به معنای اخیر و درک ما از هستی است و حیثیت شناختی و معرفتی دارد. بنابراین رانر با بهره‌گیری از آراء کانت ایده وحی استعلایی را برای نخستین بار در کتاب روح در جهان خود مطرح کرد و پس از آن در کتاب مستمعین کلام آن را بسط داد. او بر این باور بود که اگر موجودات انسانی وجود خود را درک می‌کردند، درمی‌یافتند که آنها در جایگاه دریافت وحی احتمالی خدا در تاریخ هستند. (Marmion and E. Hines, 2005, p. 84) طبق نظر رانر، انسان‌ها مستمعین بالقوه کلام خدا هستند. رانر در کتاب مستمعین کلام از ما دعوت می‌کند که بر خود به عنوان موجوداتی گشوده و مستعد که بر امر مطلق و بی‌کران آگاهی پیدا می‌کنند، تأمل کنیم. خودمان را به عنوان موجوداتی متعالی بشناسیم که به معنای واقعی کلمه با راز نامتناهی عالم، که خدا می‌نامیم، در ارتباط بوده و هستیم. بایستی دانست که به‌رغم این گشودگی انسان به خدا، شناخت ما نسبت به او یا ارتباط انسان و خدا، به هیچ یک از موجودات دیگری که در اطراف ما وجود دارند و با آنها مرتبطیم شباهت ندارد. ما خداوند را به عنوان شئی در میان اشیاء دیگر نمی‌شناسیم، بلکه او را به عنوان شرط امکان همه معارف و افعال خود می‌دانیم. انسان در قید زمان و مکان است و شناخت خود از جهان را از طریق حواس بیرونی دریافت می‌کند. در این شناخت قدرت انتخاب دارد و این انتخاب‌گری به شیوه‌ای است که نشان می‌دهد از پیش در حال حرکت به سمت افق

نامحدودی است. (Marmion and E. Hines, 2005, p. 84) از جمله خصوصیات دیدگاه رانر در موضوع وحی پرداخت ویژه به عناصر شناختی و معرفتی انسان به عنوان دریافت کننده وحی است. همان‌گونه که تحقیقات استعلایی کانت، شرط امکان شناخت و معرفت را به ما نشان می‌دهد، وحی استعلایی رانر نیز خداوند را شرط پیشینی هر گونه معرفتی عنوان می‌کند و معرفت ما نسبت به جهان هستی را تنها در پرتو شناخت پیشینی ما از خداوند معنادار می‌داند. بر همین اساس قائل است که «یک تحقیق استعلایی، موضوع را با توجه به شرایط لازم، امکان شناخت و عمل از طرف خود فاعل شناسا، بررسی می‌کند.» (Rahner, 1963-81, vol. 11, p. 81) او این درک پیشینی را درکی پیشافهم از هستی می‌نامد. برای آشنایی بیشتر با زوایای وحی استعلایی در نگاه رانر و اینکه چگونه شناخت خدا را شرط تمام معارف ما می‌داند، لازم است که با نگرش او در خصوص مفهوم فیض نیز آشنا شویم. آگاهی از این افق، از وجود مطلق و نامحدودی که زمینه و علت رایگان وجود ماست، ما را نسبت به امکان آشکارشدگی خداوند هشیار می‌کند. (Marmion and E. Hines, 2005, p. 85)

در اندیشه رانر مفهوم فیض نقشی کلیدی ایفا می‌کند. او سنت بزرگ مدرسی و نومدرسی خود را بر محور آموزه فیض بنا نهاد و این نظریه را در جهات جدیدی با کمک انسان‌شناسی فلسفی خود گسترش داد. رانر به تبع آکوئیناس، فیض را به عنوان کلیدی به دین مسیحیت می‌دانست، در حالی که سنت پیش از او در وهله نخست فیض را به عنوان واقعیتی مخلوق می‌فهمید. (Marmion and E. Hines, 2005, p. 85)

او فیض را به عطیه‌ای ازلی و رایگان از وجود خدا به بشر تعبیر می‌کند که در طول حیات انسانی نقشی اساسی ایفا می‌کند. او این فیض را «فیض نامخلوق»^۱ می‌نامد، چرا که از وجود خود خداوند و بنابراین نامخلوق است. در الهیات مسیحی وجود آدمی منهای فیض الهی «طبیعت» نامیده شده، طبیعتی که گناه آلود است و راه به نجات نخواهد برد. در دیدگاه رانر فیض نامخلوق امری اگزیزتانس و فراطبیعی در آدمی است که در وجود انسان

بوده و هست، اما بخشی از طبیعت انسانی او نیست. (فلاحی و علمی ۲۰) بنابراین یکی از فرضیه‌هایی که او ارائه داده و بیش از هر چیز با آن شناخته شده همین است که همه انسان‌ها متأثر از امری هستند که «اگزیستانس فراطبیعی»^۱ نامیده شده است. (Kilby, 2004, p. 53) به باور رانر این ارتباط یک ارتباط درباره خداوند نیست، بلکه ارتباطی است با خود خداوند؛ و معنای آن برای دریافت کننده‌اش، نه دریافت شناخت تازه‌ای است، نه کسب چیز جدیدی؛ بلکه خود انسان در این موقعیت امر جدیدی است. (Kilby, 2004, p. 55) چرا که «خداوند در نهایت واقعیتش، خود را به درونی‌ترین عنصر سازنده انسان تبدیل می‌کند.» (Rahner, 1989, p. 116) رانر می‌گوید:

«آیا برای یک الهیات واقعی کافی است که پیام به عنوان یک کلمه آشکار از بیرون به ما برسد؟ یا اینکه ما فراتر از آن به نیروی گوش سپردن به چنین پیامی نیاز داریم (نیرویی که وجود آن ممکن است توسط انسان‌شناسی متافیزیکی ایجاد شود) غلوی درونی که به وسیله فیض الهی ایجاد شده، پیش از آنکه پیام مدرک به الهیات تبدیل شود.» (Rahner, 1995, p. 55)

مفهوم اگزیستانس فراطبیعی در آثار بعدی وی نیز تکرار شد و نقش مهمی در بسیاری از اجزاء الهیات وی ایفا می‌کند. در واقع انکشاف ذات^۲ در فیض الوهی و اگزیستانس فراطبیعی دو روی یک سکه هستند که وحی استعلایی را تشکیل می‌دهند. چرا که آدمی از یک سو مورد لطف و فیض الهی واقع می‌شود و از سوی دیگر کشش و جذب‌ه‌ای درونی (اگزیستانس فراطبیعی) به سوی حقیقت غائی دارد.

فلسفه نومدرسی معتقد بود که اگر فیض حقیقتا عطیه رایگان الهی باشد، کل مستقل و خودبسنده خواهد بود. به طور خاص، اگر طبیعت انسانی همانگونه که «خلق» شده است، با اتکا به توان خودش قادر به رسیدن به سعادت «طبیعی» نباشد که بتواند با آن خشنود باشد، در این صورت خداوند به مقتضای عدالت موظف به فیض می‌بود (و گرنه او مسئول این محرومیت تلقی میشد). به عبارت دیگر فیض، تنها در صورت عدم نیاز طبیعت به آن،

-
1. Supernatural existential
 2. Self Communication

می‌تواند بلاعوض^۱ باشد (Kilby ۵ رانر در کتاب کنکاش‌های الهیاتی می‌نویسد:

«اکنون در واقع (انسان) همانطور که هست، آفریده شده است. (برای این عشقی که خود خداست و آنچه در فیض و رویت سعیده^۲ به او عطا شده است.)؛ او به هستی خوانده شده است تا عشق [الهی] بتواند خود را ارزانی کند... این "استعداد" اصیل‌ترین چیزی است که در کُنه [وجود] اوست، مرکز و منشأ هر چیزی است که او به طور مطلق هست.» (Rahner, 1963-81, vol. 1, p. 313)

اکنون، آنچه که از طرف خداوند به‌عنوان انکشاف ذات و تجلی توصیف می‌شود، از دید انسان، اگزستانس فراطبیعی است. به عبارت دقیق‌تر، اگزستانس فراطبیعی در اینجا به عنوان انکشاف ذات در حالت عرضه^۳ شناخته می‌شود. انکشاف ذات ممکن است پذیرفته یا رد شود، اما این احتمال قطعاً در هر دو صورت وجود دارد. رانر به منظور تبیین این مفهوم انکشاف ذات، مفهوم علت شبه‌صوری^۴ را تبیین می‌کند. بر اساس مدل علت‌صوری و نه علت فاعلی، می‌توان خدا را علت اگزستانس فراطبیعی دانست، زیرا به یک معنا علت صوری در معلول، یکی از ارکان تشکیل دهنده آن می‌شود و خدا در این موقعیت تنها به عنوان علت شبه‌صوری آن عمل می‌کند. (Kilby, 2004, p. 55)

برخی از منتقدان چنین استدلال کرده‌اند که انسان‌شناسی رانر نیاز به هرگونه مکاشفه الهی خاص را منتفی می‌سازد، زیرا تلویحاً به این مسئله اشاره دارد که انسان از پیش خدا را در ذات خود می‌شناسد، ولی رانر چنین تفسیری را از الهیات خود به شدت تکذیب می‌کند. (گرنز و اولسن، ۱۳۸۹، ص ۱۰۵۷) و همان‌طور که در ادامه خواهیم دید، رانر بر وحی تاریخی در وجود مسیح نیز تأکید خاصی دارد. ب) وحی مقوله‌ای

معرفت معمول ما معرفتی مقوله‌ای است که از طریق حواس به‌دست می‌آید. بر این اساس وحی مقوله‌ای نیز به نوعی از معرفت اشاره دارد که با وجود عینی و خارجی ما در

-
1. gratuitous
 2. Beatific vision
 3. offer
 4. quasi-formal causality

جهان و طبیعت تاریخی انسان مرتبط است. برخلاف وحی استعلایی که امری معرفتی است، وحی مقوله‌ای به انضمام این جهان و تاریخ مندی انسان معنادار می‌شود. وحی مقوله‌ای عام از نگاه رانر، انضمام به جهان به صورت عام است و وحی مقوله‌ای خاص، تنها زیر چتر مسیحیت بدست می‌آید. رانر می‌گوید که تمام تاریخ بشر، تاریخ جهان و ادیان زمینه تحقق وحی مقوله‌ای است. انکشاف ذات خدا در وحی مقوله‌ای عام، امری مختص به دین و آیین خاصی نیست، بلکه برای تمام انسان‌ها می‌تواند رخ دهد. این تجلی فراتر از همه آیین‌هاست و حتی کافران را در بر می‌گیرد. اما از منظر وی در وحی خاص ما باید به دنبال وحی باشیم «به عنوان رویدادی که در یک نقطه از فضا و زمان در کل تاریخ بشر رخ داده است.» (Rahner, 1995, p. 136)

عرضه جهانی فیض خدا، مستلزم یک وحی جهانی است، اما از دیدگاه رانر انکشاف ذات نمی‌تواند به عنوان وحی تام و تمامی هدایتگر انسان به سوی خداوند باشد. و از این رو وحی خاص ضرورت می‌یابد. وحی خارجی که در قالب عیسی و کتاب مقدس بر ما نازل می‌شود تنها می‌تواند به وسیله افرادی شنیده و دریافت شود که به وسیله فیض و عطیه روح القدس از درون متحول شده باشند. (Marmion and E. Hines, 2005, p. 86)

دیدگاه رانر درباره آفرینش مسیحیت محور است. او معتقد است تنها به خاطر مسیح و به منظور ارتباط خویشتن با شیوه منحصر به فرد و کامل بوده که خداوند در وهله اول بشریت را آفرید. انسانها برای این که خواهر و برادر عیسی باشند و در زندگی و فیض او سهیم باشند، وجود دارند و به این دلیل برای رانر حضور گمنام فیض در حیات آنها که هنوز مسیح را به طور صریح نشناخته‌اند باید به گونه‌ای توصیف شود که روشن شود آنچه در اینجا دخیل است لطف مسیح است. (Marmion and E. Hines, 2005, p. 88)

در همه جای تاریخ بشر تعالی و رستگاری می‌تواند وجود داشته باشد. رانر می‌گوید: «به عنوان تجلی حقیقی خدا در فیض، تاریخ نجات و وحی با تاریخ جهان و روح بشر و در نتیجه با تاریخ دین، هم‌گستره است و تطابق زمانی دارد.» (Rahner, 1989, p.143) از نظر رانر، عیسی مسیح واجد الوهیت و انسانیت هر دو با هم است و از این نظر تفکر وی با

اندیشه اصلی کلیسای کاتولیک تضادی ندارد. به زعم وی نجات انسان تنها با واسطه موجودی که الوهیت داشته باشد ممکن است، پس عیسی مسیح باید واجد طبیعت الهی باشد. کتاب مقدس نیز چنان که آمد، از خصلت و حیانی برخوردار است. (شاه‌آبادی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۲)

۶. رابطه وحی و تکثر دینی از دیدگاه رانر

از نگاه رانر تجلی خدا در وحی استعلایی به تک تک آحاد بشر تعلق دارد و با دریافت این وحی استعلایی انسان برای دریافت کلام وحی و وحی خاص آمادگی می‌یابد. وحی استعلایی تاریخی نیست و به هیچ موضوع خاص و امر و حیانی اشاره ویژه‌ای ندارد. اگر این افق نامحدود منکشف نمی‌شد، اشیاء و امور جهان معنای خود را برای انسان از دست می‌دادند. (شاه‌آبادی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۱) در اندیشه او یکی از نتایج مشی شمول‌گرایانه رانر در الهیات یک‌پارچه بینی اقسام وحی و عدم افتراق و تباین بین آنهاست. در نگاه وحی استعلایی جهان شمول است و جهان اطراف ما آکنده از فیض الوهی. این وحی به صورت سوپزکتیو اگزیستانس فراطبیعی و به صورت ایزکتیو انکشاف ذات و تجلی الهی است. چه انسان از این وحی آگاه باشد یا نه و چه به آن پاسخ مثبتی بدهد یا ندهد، به صرف انسان بودن مستعد و در معرض وحی استعلایی است. از این رو رانر همه ابناء بشر را با هر دین و مسلکی که باشند بریده از وحی و انکشاف نمی‌داند. به عقیده او همه مردم در زندگی خود با خدای فیض برخوردار می‌کنند و راهی به رستگاری خواهند یافت. به علت اراده خدا بر رستگاری بشریت، آنانکه به این فیض الهی آگاهی نداشته باشند از دیدگاه رانر مسیحیان گمنام هستند. هرچند او معتقد است که مسیح کلید نهایی فیض و مکاشفه است و رستگاری به واسطه حضرت عیسی و کلمات کتاب مقدس تنها با ایمانی آگاهانه حاصل می‌شود، اما ارائه نظریه مسیحیان گمنام او، زمینه تبیین دیدگاه وی در باب تکثر دینی را گشوده است.

رانر گرچه از وحی استعلایی سخن به میان می‌آورد، اما متالهی وفادار به کلیسای

کاتولیک است و وحی مقوله‌ای این موضوع را روشن می‌سازد. او معتقد است یکایک انسان‌ها، خواسته یا ناخواسته، در ارتباط با امر الوهی هستند و این ارتباط در بستر زمان و مکان در طول تاریخ رخ داده است. از این رو هنگامی که وحی استعلایی در گستره تاریخ تعیین یابد از آن به وحی مقوله‌ای تعبیر می‌شود و نهایتاً وحی مقوله‌ای در تجسم عیسی مسیح تبلور یافته است. این مسئله که رانر پیوسته به پیام مسیحی باز می‌گشت و در تلاش بود که آن را در بستر فرهنگ مدرن باورپذیر سازد، نشان می‌دهد که در نظر خود او وحی استعلایی و مقوله‌ای، وحی جهانی و وحی خاص، در مقابل یکدیگر نیستند. (Marmion & E. Hines, 2005, p. 90) بلکه این دو مراتب مختلف وحی و پلکان صعود آدمی هستند.

نظریه «مسیحیت گمنام» رانر ابواب نجات را برای افرادی که اذعان به پذیرش دین مسیحیت ندارند نیز گشوده می‌داند و آنها را زیر چتر مسیحیت جمع می‌کند. تا قرن‌ها دیدگاه سنتی کلیسای کاتولیک این بوده که خارج از سازمان مرئی کلیسای کاتولیک، به هیچ وجه رستگاری ممکن نیست. این سخنان در حال حاضر نیز در کلیسای کاتولیک مورد قبول است، اما در معرض تعبیر و تفسیر مجدد قرار گرفته‌اند. (لین، ۱۳۹۰، ص ۵۰۸) تا حدی که می‌توان گفت پس از شورای واتیکان دوم و تلاش‌های رانر و کونگ، از جزمیت بیانیه‌های کلیسا در خصوص رستگاری توسط دین مسیحیت کاسته شده است.

چنان‌که ملاحظه شد از دیدگاه مسیحیت وحی پیام الهی است که در بستر تاریخ و شخص مسیح، تجربه حضور خدا و یا گزاره‌های معرفتی رخ می‌دهد. در رویکردهای متفاوت به وحی و انکشاف، لطف و فیض الهی و مداخلیت انسان در آغاز رابطه‌ای پویا و دوجانبه با حقیقت غایی، موجب پدید آمدن نظریات گوناگونی شده است، اما وحی را از هر منظری که ببینیم، رهاورد و هدف آن نجات و رستگاری نوع بشر است و متالهان مختلف در صدد آن بوده‌اند که راه نجات را بر انسان روشن کنند، گاه با انحصار آن در نص مقدس و سنت کلیسایی، جستجوی آن در تاریخ مسیح و یا تجربه قلبی امر مقدس توسط انسان. لذا تلقی‌های متفاوت از وحی منجر به دیدگاه‌های گوناگونی در خصوص تکثر دینی و سمت و سوی نجات بشر خواهد شد.

۷. رانر و دیگر دیدگاه‌ها در باب تکثر دینی

در دوران مدرن گرایش به تسامح و رواداری دیگر ادیان، مباحثی را در باب تکثر دینی پدید آورده است. بر این اساس پیروان ادیان در خصوص حقانیت یا نجات سایر ادیان رویکردهای انحصارگرایانه، کثرت‌گرایانه، شمول‌گرایانه، وحدت‌گرایانه، نسبی‌گرایانه یا طبیعت‌گرایانه اتخاذ کرده‌اند. اگر مسئله تکثر ادیان را این موضوع بدانیم که چه کسی اجازه ورود به بهشت دارد، انحصارگرایان صرفاً افرادی را که ملتزم به دین خاصی باشند واجد شرایط نجات و رستگاری می‌دانند، شمول‌گرایان دایره نجات را گسترده‌تر می‌بینند و پیروان سایر ادیان نیز بنابر معیارهایی می‌توانند وارد بهشت شوند و کثرت‌گرایان ورود به بهشت را به شرط تحول از خودمحوری به واقعیت‌محوری در درون یک سنت دینی، بدون توجه به نژاد، رنگ و اعتقاد تقریباً برای هرکسی مجاز می‌دانند. (لگنهاوزن، ۱۳۸۴، ص ۳۸) در این میان کارل رانر همسو با هانس کونگ در زمره شمول‌گرایان جای می‌گیرد که بر این باورند گرچه تنها یک دین، دین حق است اما پیروان سایر ادیان نیز از نجات و رستگاری بی‌بهره نیستند.

بایستی متذکر شد که در میان آراء ذکر شده از وحی، رانر نظریه‌پرداز خوانشی افراطی یا به کلی متفاوت از موضوع «وحی» نیست و شاید همین میانه‌روی و کوشش او در جمع میان سه رویکرد به وحی، وجه ارزشمندی وی باشد. او همانند هانس کونگ راهی در میانه کلیسای کاتولیک و دنیای مدرن گشود و آن‌دو را به گفت‌وگو با یکدیگر فراخواند. رانر و کونگ، بر این باور هستند که کمال نجات و لطف سرشار را تنها باید در سنت مسیحی یافت، اما ادیان غیرمسیحی نیز مظهري از لطف پروردگار هستند. (ریچاردز، ۱۳۸۰، ص ۹۹) هانس کونگ با اتخاذ رویکرد خدامداری به جای کلیسامداری می‌گوید خدا پیش از آنکه بر مسیح تجلی کند خود را بر انسان متجلی ساخته و رستگاری خارج از کلیسا از طریق آنچه کونگ طریق عادی نجات می‌نامد اختصاص به دین خاصی ندارد. اما در طریق غیرعادی نجات که کلیسا عهده‌دار آن است، ارتباط حقیقی میان انسان و خدا فقط به واسطه انجیل مسیح میسر می‌شود. (ریچاردز، ۱۳۸۰، ص ۱۰۲-۱۰۴) این دیدگاه مشابه

تفکیک وحی مقوله‌ای و غیرمقوله‌ای از نظر رائر است که نجاتی عمومی را در پرتو وحی مقوله‌ای، و از سوی دیگر نصوص و سنت‌های تاریخی و کلیسایی را ذیل وحی غیرمقوله‌ای در نظر دارد؛ اما نقطه افتراق این دو دیدگاه در اطلاق عنوان دینی خاص است. آن دسته از افرادی که آگاهانه یا ناآگاهانه در جستجوی خداوند هستند و او را می‌پرستند در ادبیات الهیاتی رائر به «مسیحیان گمنام» شهرت دارند. لکن رستگاری تام و تمام تنها با پذیرش مسیحیت محقق خواهد شد. هانس کونگ اما با پذیرش رستگاری خارج از چهارچوب کلیسا، مخالف این نام‌گذاری است و آن را در راستای رویکرد کلیسامداری مورد انتقاد قرار می‌دهد و آن را و مهر تاییدی بر این گزاره می‌شمرد که «خارج از کلیسا رستگاری نیست.»؛ زیرا مطابق این دیدگاه رستگاری یا با پذیرش مسیحیت رسمی یا برچسب خوردن تحت عنوان مسیحی گمنام میسر می‌شود و در هر دو حال از دایره مسیحیت خارج نیست. به نظر کونگ این نگرش، تحریفی در معانی نجات و مفاهیم کلیسایی است و در پاسخ به چالش ادیان مسیحی پذیرفته نیست. (ریچاردز، ۱۳۸۰، ص ۱۰۵ و ۱۰۶)

از بررسی آراء متفکرانی همچون جان هیک، شلایرماخر و کارل بارت می‌توان نتیجه گرفت عمده افرادی که نظرات خاصی در مقوله تکثر دینی داشته‌اند، دیدگاهشان برآمده از نگاه خاصی است که به وحی و انکشاف الهی داشته‌اند.

۸. نتیجه

در اندیشه رائر برخورداری از وحی و مکاشفه الهی، دستیابی به افق‌های متعالی و راه یافتن به رستگاری ابدی برای نوع بشر ممکن است. او برای اثبات این موضوع از مفاهیمی نظیر پیشافهم از هستی، آگزیستانس فراطبیعی انسان و تجلی ذات بهره می‌برد، از فلسفه استعلایی کانت و فلسفه وجودی هایدگر به سود نظریات خود توشه برمی‌دارد و از دل فلسفه نومدرسی و کلیسای کاتولیک، پُلی به سمت گفت‌وگو با جهان مدرن بنا می‌نهد. آنچه در اندیشه رائر در باب وحی حائز اهمیت است این است که در بسط و شرح هر

کدام از وحی غیرمقوله‌ای و مقوله‌ای و پیامدهای نجات‌شناختی و تکثر دینی آنها، همگام با نظریات چند تن از اندیشمندان نامدار مسیحی به پیش می‌رود. وحی غیرمقوله‌ای او را به تجربه دینی شلایرماخر نزدیک می‌سازد، وحی مقوله‌ای و معرفت خاص دینی وی را دوشادوش کارل بارت قرار می‌دهد، در باور به نجات بیرون از دیوارهای بلند کلیسا با هانس کونگ هم‌نظر است و اعتقاد به تفکیک میان پدیدار و پدیده او را هم‌تراز جان هیک قرار می‌دهد. در نگاهی اجمالی شاید بتوان کارل رانر را اندیشمندی نامید که توانسته آراء بعضاً متضاد را در یک مجموعه به ظاهر نظام‌مند گرد هم آورد و هر سه رویکرد گزاره‌ای، تجربی و تاریخی به وحی را با ضریب تاثیر متفاوت ذیل یک نظریه بگنجانند. اما با نگاهی دقیق‌تر انتقاد کونگ به رانر، آنجا که نظریه مسیحیان گمنام را تایید دوباره‌ای بر نجات انحصاری در کلیسا می‌دانست، جلوه‌گر می‌شود. از این رو دشوار است که رانر را متالهی نواندیش که به بازنگری در مبانی دینی مبادرت نموده بدانیم، بلکه فیلسوف نومدرسی آشنا با فلسفه مدرنی است که به خوبی زبان مفاهمه با انسان امروزی را آموخته و آموزه‌های کلیسا را در قالب عباراتی قابل پذیرش برای جهان معاصر عرضه می‌کند. فلسفه پساکانتی و گسترش ارتباطات و اطلاعات در دنیای امروز، انحصارگرایی دینی را، به ویژه در عرصه رستگاری، برنمی‌تابد، او با علم به این موضوع وحی استعلایی (در پرتو انکشاف ذات در فیض الهی و اگزیزتانس فراطبیعی) را ابزار همگانی نجات برای عموم مردم، اعم از مسیحی و غیرمسیحی، می‌داند، چرا که همه افراد چه از آن آگاه باشند یا نه و چه این دعوت و انکشاف الهی را بپذیرند یا نپذیرند در معرض آن قرار دارند. در عین حال با مسیحی گمنام نامیدنشان، آنها را به دین مسیحیت دعوت می‌کند تا در وحی مقوله‌ای با صراحت بیشتری به آراء کلیسا در خصوص وحی گزاره‌ای و تاریخی بپردازد. در مجموع بایستی اذعان داشت که بر اساس نگرش رانر به وحی، رستگاری در اندیشه او ذومراتب و تشکیکی است و حد اعلای آن با اذعان به حقانیت مسیحیت و کلیسا محقق می‌شود.

کتابنامه

۱. حقانی فضل، محمد و مفتاح، احمدرضا (۱۳۹۶). حجیت منابع الهیات مسیحی: مبنا و گستره، معرفت/ادیان، سال ۹، شماره ۱، صفحات ۴۰-۲۱.
۲. دادجو، یدالله (۱۳۸۸). نظریه تجربه دینی و تفسیر تجربه گرایبی وحی، اندیشه نوین دینی، شماره ۱۹، صفحات ۱۴۰-۱۱۵.
۳. ریچاردز، گلین (۱۳۸۰). پلورالیزم دینی، مترجم: رضا گندمی نصرآبادی و احمدرضا مفتاح، قم: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۴. ژیلسون، اتین (۱۳۹۸). تاریخ فلسفه مسیحی در قرون وسطا، مترجم: رضا گندمی نصرآبادی، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۵. ساجدی، ابوالفضل (۱۳۸۷). وحی شناسی مسیحی با گذری بر وحی قرآنی. قبسات، شماره ۴۷، صفحات ۱۴۶-۱۲۱.
۶. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم (۱۳۹۳). درآمدی بر الهیات تطبیقی اسلام و مسیحیت، قم: کتاب طه.
۷. شاه‌آبادی، حمید (۱۳۹۴). فلسفه وحی در سنت مسیحی، تهران: نشر علم.
۸. فخار نوغانی، وحیده (۱۳۹۵). بررسی و نقد مفهوم وحی گزاره‌ای و غیرگزاره‌ای در الهیات مسیحی. فلسفه دین، سال ۱۳، شماره ۱، صفحات ۱۳۸-۱۱۳.
۹. فلاحی، جعفر؛ علمی، قربان (۱۳۹۱). الهیات فیض رانر در میانه کلیسای کاتولیک و الهیات نو. الهیات تطبیقی، سال ۳، شماره ۷، صفحات ۳۶-۱۹.
۱۰. کاپلستون، فردریک چارلز (۱۳۸۷). تاریخ فلسفه، مترجم: ابراهیم دادجو، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. جلد
۱۱. کونگ، هانس (۱۳۹۰). متفکران بزرگ مسیحی، مترجم: گروه مترجمان، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۲. گرنز، استنلی؛ راجرز اولسن (۱۳۸۹). الهیات مسیحی در قرن بیستم، مترجمان: روبرت آسریان و میشل آقامالیان، تهران: نشر ماهی.

۱۳. لگنهاوزن، محمد (۱۳۸۴). *اسلام و کثرت‌گرایی دینی*، مترجم: نرجس جوان‌دل، قم: موسسه فرهنگی طه.
۱۴. لین، تونی (۱۳۹۰). *تاریخ تفکر مسیحی*، مترجم: روبرت آسریان، تهران: فرزانه روز.
۱۵. مک‌گراث، آلستر (۱۳۸۴). *درسنامه الهیات مسیحی*، مترجم: بهروز حدادی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۱۶. میشل، توماس (۱۳۷۷). *کلام مسیحی*، مترجم: حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۱۷. ویور، مری جو (۱۳۸۱). *درآمدی به مسیحیت*، مترجم: حسن قنبری، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
18. Declan, M and Hines E M (2005). *The Cambridge Companion to Karl Rahner*. Cambridge University Press, Cambridge.
19. Kilby, K (2004) *Karl Rahner Theology and Philosophy*. Routledge, London.
20. Rahner, K (1963–81) *Theological Investigations*. Darton, Longman and Todd, vols 1-23, London.
21. ----- (1989) *Foundations of Christian Faith: An Introduction to the Idea of Christianity*, Translated by Dych William, Crossroad, New York.
22. ----- (1194) *Spirit in the World*, Translated by Dych William, continuum New York.
23. ----- (1995) *Hearer of the World*, Translated by Joseph Donceel, Continuum, New York
24. Stock, S, (1912). *Revelation*, Catholic Encyclopedia, volume 13, New York, Robert Appleton Company.